

جنبه‌های کلیدی جایگاه کشور عزیزما در نظام بین الملل مدرن آشفته‌گی‌های موجود در نظم جهان کنونی در نظر داشت گستردگی عوامل تأثیرگذار

تأمین منافع امریکا از مسیر همکاری با سازمان‌های نظامی
بازسازی حیثیت و اشنگتن پس از رسوایی در کشورما
چگونگی پیوند سیاست خارجی با سیاست قومی
رویا پرداز متجدد

نظام بین الملل مدرن، بویژه از حالت گذار به دوره ای از گسست دایمی نظم جهانی قدیم مشخص می‌گردد. جایگاه کشورها با توانایی آنها در سازگاری با نوسانات ژئوپولیتیکی، ملی‌گرایی، اقتصادی و رقابت‌های فناوری تعیین و مشخص می‌گردد. جایگاه کشورها در نظام بین الدول مدرن بر بنیاد توزیع قدرت (نظامی، اقتصادی و تکنولوژیک) تعیین گردیده و از یک نظم تک قطبی بسوی چند قطبی در حال حرکت می‌باشد. قدرت‌های بزرگ هنجارها را تعیین مینمایند، در حالی که کشورهای دیگر بر اساس توانایی تطبیق با این ساختار، قدرت نرم یا مشارکت‌های راهبردی، جایگاه خود را تثبیت می‌نمایند. این ساختار دربرگیرنده قدرت‌های هژمون، قدرت‌های در حال ظهور و دولت‌های ضعیف یا در حال فروپاشی میباشد. مؤلفه‌های تعیین‌کننده جایگاه کشورها عبارتند از: توزیع قدرت، چه، نظم جهانی بشدت تحت تأثیر چگونگی تقسیم قدرت میان دولت‌ها می‌باشد. رقابت قدرت‌های بزرگ، تلاش چین بمنظور ترویج الگوی توسعه گرایانه اقتدارگرا، الگوی لیبرال دموکراسی غربی را بچالش کشیده است. حاکمیت و توانمندی در حقوق بین الملل مدرن، جایگاه دولتها با اصل تعهد به مقررات پیوند دارد و ناتوانایی داخلی می‌تواند منجر بفروپاشی جایگاه بین المللی شود. نوع نظم با گذار از تک قطبی بسوی چند قطبی، کنش‌گری بیشتری را برای بازیگران نوظهور فراهم مینماید. در امتداد سال‌ها، نظام بین الملل مدرن در وضعیت انتقالی و سیاسی قرار داشت که در آن ساختارهای سنتی در حال فرسایش و جاگزینی با الگوهای جدید بودند.

بگمان غالب، همه باهم در اینباره متفق‌الرأی می‌باشند که دخالت ۲۰ ساله ایالات متحده و هم پیمانانش در کشور عزیزما، بمفهوم وسیع کلمه، سبب سازشراط و وضعیت منحصر بفردی در سراسر سرزمین و اراضی متعلق به میهن ما افغان‌ها گردید. هدف از نیشته حاضر، بررسی و تجزیه و تحلیل تاریخچه دخالت‌های اشنگتن در کشور عزیزما نمی‌باشد. با این وجود، اما تفکیک پایان مأموریت نظامی ایالات متحده در کشور عزیزما افغانستان، از مجموع دخالت‌های آشکار و نهان نظامی و غیرنظامی و اشنگتن دشوار بنظر می‌رسد. بهیچوجه از تأثیرگذاری فزاینده اداره یاد شده، بویژه در امر پایان دادن به عملیات مسلحانه ایالات متحده و پیامدهای آن در کشورما نباید چشم پوشی بعمل آید. درباره انتظارات در مورد پایداری دولت در افغانستان باید افزود که عده بیشماری از ناظران مدت‌ها قبل پیشبینی نموده بودند که با فرآخواندن نظامیان خارجی از سرزمین متعلق به افغانستان، فروپاشی دولت و نیروهای امنیتی افغان از قوه بفعل مبدل خواهد گردید، اما در مورد مدت زمان فروپاشی یاد شده، ابراز نظرهای متفاوتی مطرح گردید. بخاطر ما باشد که کشور عزیزما افغانستان در مجموعه روابط بین الملل معاصر از موقعیت ستراتیژیک و اما ناپایداری برخوردار بوده و بمثابة پلی بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی و همچنان منبع خطرات منطقوی پنداشته می‌شود. با وجود اینهمه، کشورما تحت حاکمیت "طالب"‌ها کاملن منزوی گردیده و با بحران گسترده انسانی مواجه می‌باشد.

بخاطر ما باشد که بویژه پس از زمان بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشور، میهن عزیز ما، بگونه کلی، در عرصه روابط بین الدول به بازیگر متناقضی مبدل گردیده است.

در مورد جنبه های کلیدی جایگاه کشور عزیز ما افغانستان در مجموعه روابط و مناسبات بین الملل مدرن می توان به شرح ذیل خاطر نشان نموده و یاددهانی بعمل آورد که:

- از منظر گره ژئوپولیتیکی: افغانستان، در مجموعه امنیت منطقوی، همچنان بمثابة عامل کلیدی پنداشته میشود، دول کشورهای منطقه بدنبال تثبیت اوضاع در کشور ما بوده و بمنظور جلوگیری از گسترش افراط گرایی، تلاش می ورزند؛ - از نقطه نظر امکانات ترانزیت و حمل و نقل: کشور ما بمثابة حلقه ارتباطی بمنظور اجرای برنامه های اقتصادی که آسیای مرکزی سرشار از منابع را به بازارهای آسیای جنوبی متصل می نماید، پنداشته می شود؛ - عامل اقتصادی را بشرح ذیل می توان خلاصه نمود:

در کشور عزیز ما موجودیت ذخایر عظیم معدنی از قبیل لیتیوم، مس، آهن و... بارزش مجموعی یک تریلیون دالر تخمین می گردد. اما با وجود اینهمه، افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای جهان است که بکمک ها و سرمایه گذاری های خارجی شدیدن وابسته می باشد؛

- از منظر تناقض دیپلماتیک: جامعه بین المللی ناگزیر است تا بمنظور تضمین امنیت منطقه یی با حاکمیت موجود در کشور وارد تعاملاتی گردد. اما با وجود اینهمه، کشور عزیز ما افغانستان، همچنان بمثابة ترکیب پیچیده ایی از منافع ژئوپولیتیکی بوده و قدرت های بزرگ بدنبال بحداقل رساندن تهدیدهای برخاسته از قلمرو اراضی و سرزمین متعلق به افغانستان می باشند.

جایگاه و مرتبه میهن دوست داشتنی ما افغانستان در نظام روابط بین الملل مدرن با گذار از انزوای کامل به تعامل منطقوی عملگراییانه، علیرغم عدم شناخت گسترده در غرب مشخص می گردد.

در باره چگونگی وضعیت شناسایی دیپلماتیک، بایست یاددهانی بعمل آید که در امتداد زمان طولانی، دولتها بگونه رسمی از پذیرفتن حکومت "طالب" ها بمثابة حاکمیت بمفهوم عام کلمه، ابا ورزیدند. اما وضعیت و چگونگی اوضاع، بویژه در امتداد سال ۱۴۰۴ خورشیدی دستخوش تحول گردیده و فدراسیون روسیه، بمثابة نخستین کشور، حاکمیت "طالب" ها را برسمیت شناخت.

اعطای اعتبارنامه به سفیر "طالب" ها توسط کشور چین، بنحوی از انحاء، نشاندهنده درجه بالایی از عادی سازی روابط و مناسبات بین دوکشورتلقی گردید.

کشورهای غربی (ایالات متحده - اتحادیه اروپا) به تداوم تحریم ها در قبال "طالب" ها همچنان پابند باقی مانده و چنین وانمود نمودند که تحریم های وضع شده، گویا بمثابة احترام بحقوق بشرو بویژه بدلیل نقض حقوق و آزادی های بانوان افغانستان توسط "طالب" ها، وضع گردیده است.

در مورد ادغام اقتصادی منطقوی بایست خاطر نشان نموده و یاددهانی بعمل آورد که:

از منظر اقتصادی، افغانستان بمرکز ترانزیت و حمل و نقل و ارتباطات بین آسیای مرکزی و جنوبی تبدیل میشود. همچنان قابل تذکر پنداشته میشود که برنامه های زیربنایی، از جمله کارروی برنامه های "تاپی" (خط لوله گاز)، کاسا ۱۰۰۰ (شبکه برق) و راه آهن سراسری کشور ما در حال انجام می باشد.

قابل دقت پنداشته می شود که بویژه، روابط و مناسبات کابل با دهلی جدید و تهران در شرف توسعه و انکشاف می باشد. کشورهای ازبکستان و عمان بدنبال کاهش همه جانبه وابستگی به پاکستان سعی می ورزند، چین عمدتن علا قمند استخراج و بهره برداری از معادن مس و لیتیوم در کشور عزیز ما می باشد.

در مورد وضعیت بشردوستانه و چگونگی رعایت حقوق بشردر کشور بایست اظهار نمود که کشور عزیز ما افغانستان، همچنان بمثابة منطقه ایی با موجودیت بحران عمیق انسانی شناخته می شود. در امتداد سال ۱۴۰۴ خورشیدی، بر بنیاد آمارهای ارائه شده، بتعداد ۲۲،۹ میلیون تن از شهروندان کشور بکمک های بشردوستانه نیاز داشتند. محدودیت های دست و پاگیر در مورد آموزش و اشتغال بانوان کشور، بخودی خود به مانعی در امر از سرگیری کامل کمک های بین المللی مبدل گردیده است. قابل یاددهانی پنداشته می شود که سازمان ملل باید اقدامات مستقلى را بمنظور برر سی موارد نقض حقوق بشردر کشور ما رویدست گیرد.

از منظر امنیت و تروریزم بایست متذکر گردید که جامعه بین المللی همچنان نگران حضور "القاعده" و داعش خراسان در افغانستان می باشد. "طالب" ها با "داعش" می جنگند، اما در عین حال متهم بحفظ ارتباط و مناسبات با سایر گروه های رادیکال نیز می باشند. با وجود اینهمه، در کنار سایر مسایل گفته آمده، بخاطر ما باشد که پس از بیش از ۴۰ سال

درگیری های مسلحانه، بلایای طبیعی و موجودیت فقرمزم،کشور عزیزما افغانستان، از جمله با بزرگترین و پیچیده ترین بحران های انسانی جهان مواجه بوده که بنحوی از انحاء وبشکلی از اشکال، از جمله بکشورهای پاکستان و ایران تا تیرات گسترده ای بجا گذاشت.

باید پذیرفت که وضعیت پیچیده بشردوستانه درکشور عزیزما بدلائل ذیل بیش ازپیش تشدید خواهد گردید: تغییرات اقلیمی، تخریب محیط زیست، ناامنی های سیاسی، بی ثباتی اقتصادی و بیماری های ساری وهمه گیر... جامعه جهانی بویژه پس از فراخواندن نظامیان بین المللی از کشورما و بقدرت رسیدن "طالب"ها درسال ۱۴۰۰ خورشیدی، با معضلات جدیدی روبرو می باشد. اما درمورد چگونگی نیازمندی های شهروندان کشور یاددهانی به عمل می آید که بیکاری وموجودیت فقرگسترده، نیمی ازشهروندان کشوررا تحت تأثیرقرار داده است. سازمان ملل تخمین می زند که میلیون ها تن از شهروندان کشورما به آب نوشیدنی سالم، غذای کافی ومراقبت های بهداشتی، اصلن دسترسی نداشته که وضعیت اینچنینی، سایرباشنده های میهن عزیزما را بویژه درقبال پیامدهای ناشی از بیماری ها وسوتغذیه آسیب پذیرترمی نماید.

اثرات تغییرات اقلیمی، بحران گسترده آب درسراسرکشور، نیازمندی های غذایی وبهداشتی بیشتری رالیجاد نمود. دروضعیت وشرايط حاضر، حدود ۱۰ میلیون تن ازشهروندان کشوربا ناامنی غذایی حاد مواجه می باشند. پیشبینی می گردد که اوضاع بدترازاین هم خواهد گردید. نباید فراموش نمود که کشور عزیزما همچنان بابحران حمایتی نیز مواجه می باشد. بانوان، کودکان و شهروندانی که به نیازمندی های ویژه ضرورت دارند و گروههای بحاشیه رانده شده با بزرگترین خطرات وآسیب هایی مواجه می باشند. ممنوعیت آموزش متوسط، منجر بترک تحصیل ۱۵ میلیون تن ازدختران نوجوان کشورگردید. محدودیت های بیشتری برحقوق وآزادی های بانوان ودختران، مانند محدودیت آزادی آنها درمورد دسترسی بخدمات، همراه با کارکودکان، ازدواج کودکان وخشونت مبتنی برجنسیت، همه وهمه بگونه یک گل، ازاجزای خطرات وتهدیدهای حفاظتی مرتبط با یکدیگر می باشند.

با وجود توقف درگیری های مسلحانه، افغانستان همچنان یکی از آلوده ترین کشورهای جهان از مدرک مهمات منفجرناشده بوده و درمقایسه با سایرین، این کودکان کشور می باشند که بیشترین هزینه را در زمینه یادشده می پردازند.

پس از آنکه دول کشورهای همجوار، عمدتن پاکستان و ایران، بازگرداندن اجباری خارجی ها، بویژه شهروندان افغان را با وضعیت حقوقی متفاوت آغاز نمودند، میلیون ها تن از شهروندان مهاجر کشورما به میهن آبایی شان برگشته و یا اخراج شدند. وضعیت اینچنینی، فشار بیشتری را برکشورما که از قبل با بحران شدید انسانی مواجه بود، وارد نمود. عده ای بیشماری از شهروندان کشورما که پس از دهه ها، ناگزیر به بازگشت شدند، با بیکاری، فقر و آینده نامعلوم دست و پنجه نرم می نمایند.

چگونه معاونت ها و کمک های مورد نظر در اولویت قرار داده شود؟

در زمینه باید موارد ذیل مطرح نظر باشد:

- ارائه کمک های نجات بخش؛

- تضمین دسترسی بخدمات اساسی؛

- حمایت از شهروندان کشور در امر مقاومت با بحران؛

- کمک های غذایی اضطراری؛

- بهداشت و تغذیه؛

- آموزش در مواقع اضطراری؛

- دسترسی باب آشامیدنی و وسعت امکانات بهداشتی؛

- وسعت و اجرای خدمات حفاظتی، از جمله فعالیت های مین زدایی؛

- تهیه سرپناه واقلام غیرخوراکی؛

و آمادگی در برابر آفات طبیعی.

مؤلفه های تعیین کننده جایگاه کشورها عبارتند از: توزیع قدرت، چه، نظم جهانی بشدت تحت تأثیر چگونگی تقسیم قدرت میان دولت ها می باشد. رقابت قدرت های بزرگ، تلاش چین بمنظور ترویج توسعه گرایی اقتدارگرا، الگوی دموکراسی غربی را به جولان کشیده است. قابل یاددهانی پنداشته می شود که حاکمیت و توانمندی در حقوق بین الدول مدرن، جایگاه دولت ها با تعهد به مقررات پیوند داشته و ناتوانایی داخلی می تواند منجر به فروپاشی جایگاه

بین المللی گردد. نوع نظم، گذار از تک قطبی بسوی چند قطبی، کنش گری بیشتری را برای بازیگران متوسط و نو ظهور فراهم کرده است. در نهایت، جایگاه کنونی در برگیرنده تقابل میان قدرت های سنتی غربی و قدرت های نو ظهور شرقی است که از طریق قدرت نرم اقتصادی و پیمان های جامع اقتصادی/سیاسی باز تعریف می گردد. در امتداد سال پار، نظام بین الملل مدرن در وضعیت انتقالی و سیالی قرار داشت که در آن ساختارهای سنتی قدرت در حال فرسایش و جایگزینی با الگوهای جدید بودند. جایگاه کشورها در این نظام دیگر تنها بر بنیاد تولید ناخالص داخلی یا توان نظامی کلاسیک سنجیده نمی شود، بلکه بر پایه مولفه هایی چون امنیت انرژی و پیشرفت در هوش مصنوعی باز تعریف گردیده است.

بخاطر ما باشد که قدرت های کلیدی جهان از جمله ایالات متحده در صدد حفظ جایگاهش بمتابۀ قدرتمندترین کشور می باشد. سیاست خارجی کشور یادشده در امتداد سال پار بر بنیاد مداخلات اقتصادی "قدرتمند" و معاملات تجاری متمرکز بوده و دستاورد های جدیدی را برای ستراتیژی صنعتی جهان تعیین می نماید. چین بمتابۀ رقیب اصلی ژنو اکونومیک ایالات متحده است که بر تولید فناوری کارخانه جهان تسلط دارد، مؤفقت چین بر بنیاد تمایل آن کشور به حاکمیت فناوری در عین حفظ دسترسی به بازارهای غربی می باشد. روسیه بلطف زرادخانه هسته بی خود به همراه ایالات متحده ۸۷ درصد از ذخایر جهانی را کنترل نموده و علیرغم فشار تحریم ها، سیاست خارجی فعالی را دنبال نموده و نفوذ قابل توجهش را در مسایل و قضایای بین المللی همچنان حفظ می نماید.

همچنان در امتداد سال پار، ظهور و پیدایش قدرت های میانه که بمتابۀ "لحظه قدرت های متوسط" نامیده می شود. در کشورهایمانند هند، ویتنام، مصر، فیلیپین و اندونیریا بالاترین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را شاهد بودیم. در کنار مسایل گفته آمده، پرسشی باین شرح مطرح می گردد که کدام مرجعی هزینه اموال وارداتی بکشور ما را می پردازد؟

در امتداد سال پار، وزارت صنعت و تجارت "طالب"ها گزارشی از چگونگی کارکردهای آن وزارت بنشر سپرد که بر بنیاد آن، گردش مالی تجارت خارجی کشور به ۱۳،۹۳۲ میلیارد دالرتخمین گردیده بود. مقامات در کابل تمایل دارند ارقام یادشده را بمتابۀ مدرک انکارناپذیری دال بر موجودیت ثبات اقتصادی در کشور تفسیر نمایند. تمرکز بر توسعه کریدورهای راه آهن و تلاش بمنظور تبدیل افغانستان بیک مرکز ترانزیت بین آسیای مرکزی و جنوبی، اندکی بلند پروا زانه بنظر می رسد، چه، اجرای عملی برنامه های یادشده نیازمند سرمایه گذاری های هنگفتی بوده که با توجه بکسر بودجه، دسترسی به مأمول فوق بسادگی میسر نخواهد بود.

با اینحال، در عقب ظاهر خوشبینانه آمار ارائه شده، تناقضات سیستماتیکی نهفته می باشد، چه، تحلیل و بررسی دقیق ساختار معاملات نشاندهنده عدم تعادل و موجودیت بحران در کشور می باشد. حجم واردات به مبلغ ۱۲۱۲۵ میلیارد دالر، شش برابر بیشتر از درآمد های حاصل از صادرات (۱۸۰۷ میلیارد دالر) می باشد. کشور عزیز ما همچنان بمتابۀ مصرف کننده وابسته به مواد غذایی، سوخت و تجهیزات صنعتی خارجی می باشد. افغانستان ناگزیر است تا آنچه را که طبیعت یا نیروی کار روستایی تهیه می نماید، بفروش رساند.

بر همین بنیاد، صدور ذغال سنگ، میوه های خشک و گیاهان دارویی وحشی است که بدلیل عدم پروسس عمیق و همه جانبه، کالاهای کم ارزشی محسوب می گردند. در کنار اینهمه، اما صدور اجناس و کالاهای داخلی در وضع حاضر، بسیار محدود می باشد.

در پایان و بمتابۀ نتیجه گیری متذکر باید گردید که جایگاه کشور ما در نظام بین الملل مدرنی تعیین گردیده که بر بنیاد توزیع قدرت (نظامی، اقتصادی، تکنولوژیک) و از یک نظم تک قطبی بسوی چند قطبی در حال حرکت می باشد. قدرت های بزرگ هنجارها را تعیین می نمایند، در حالی که کشورهای دیگر، از جمله افغانستان بر اساس توانایی تطبیق با این ساختارها، قدرت نرم یا مشارکت های راهبردی، جایگاه خود را تثبیت می نمایند. این ساختار در برگیرنده قدرت های هژمون، قدرت های در حال ظهور و دولت های ضعیف یا در حال فروپاشی می باشد.

یکشنبه ۱۲ ماه دلو سال ۱۴۰۴ خورشیدی، برابر با اول ماه فبروری سال ۲۰۲۶ سال ترسایبی